

جنگ هیبریدی: رویکرد ایالات متحده آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران

هادی ابراهیمی*

چکیده

آمریکا مهم‌ترین بازیگر بین‌المللی برای ایران در نیم قرن گذشته بوده است. با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، این کشور همواره به دنبال تغییر مناسبات خود با ایران بوده است. حسرت ایالات متحده در از دست دادن نزدیک‌ترین متحد خود در خاورمیانه، به تلاش گسترده این کشور برای بازگرداندن شرایط پیش از انقلاب انجامید. برای بازگشت به شرایط پیش از انقلاب این کشور از ابتدای پیروزی انقلاب تا کنون رویکردهای مختلفی را در مواجهه با ایران در پیش گرفته است. به باور بسیاری از تحلیل‌گران و استراتژیست‌های نظامی، ناکامی این کشور از رویکرد جنگ سخت نظیر حمله به طبرس، جنگ عراق، حمله ناو آمریکائی وینسس به هواپیمای مسافری ایران و نیز تهدید به حمله نظامی و یا رویکرد جنگ نرم نظیر تبلیغات، جنگ روانی، سبب شد تا در اواخر دهه چهارم و آغاز دهه پنجم رویکردی جدیدی را در مواجهه با ایران دنبال نماید. رویکردی که از آن در محافل سیاسی و نظامی به عنوان جنگ ترکیبی یا هیبریدی یاد می‌شود. پژوهش حاضر با برشمردن شاخص‌های این نوع از جنگ، به بررسی مؤلفه‌های جنگ ترکیبی آمریکا در قبال ایران می‌پردازد. یافته‌های پژوهش موید این موضوع می‌باشد که غالب مؤلفه‌های جنگ ترکیبی از مصادیق بارزی در رفتارهای این کشور در مواجهه با ایران در اواخر دهه چهارم و آغاز دهه پنجم برخوردار است.

واژگان کلیدی: استراتژی، تاکتیک، جنگ ترکیبی، دهه پنجم، ایران، آمریکا

۱۵۵



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

دوم، شماره پیاپی

سی و هفت

تابستان ۱۳۹۹

۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه صدا و سیما

* ebrahimih56@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هفت، صص ۱۵۵-۱۸۰

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در شرایطی در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید که سرشت و ماهیت آن در تقابل با نظام سرمایه داری حاکم بر نظام بین الملل قرار داشت. طبیعی بود که اساس و سیاست خارجی آن نیز بر مبنای مناسباتی تعریف شود که نظم حاکم بر آن را نتابد و درصدد واسازی و ساختارشکنی از قواعد حاکم بر آن برآید. آماج دیدگاه‌های ضد آمریکائی و ضد استکباری حاکم بر سیاست خارجی ایران سبب شد که نظام نوپای حاکم بر ایران از همان آغاز وارد تنازع و تقابل ایدئولوژیک با ایالات متحده آمریکا شود. در مقابل ایالات متحده آمریکا نیز فروپاشی جمهوری اسلامی را با تثبیت موقعیت خود در خاورمیانه برابر می‌انگاشت. در چنین شرایطی فضائی توأم با تخصم، دشمنی و خشونت بر فضای مناسبات ایران و آمریکا حاکم شد.

این امر سبب شد که با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکردهای خصمانه این کشور علیه جمهوری اسلامی با شدت و حدت متفاوتی تداوم یابد و بسته به شرایط رویکردهای خصمانه متفاوتی را در مواجهه با ایران در پیش بگیرد. در اواخر دهه چهارم و در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی و بعد ناکامی این کشور در جنگ سخت و جنگ نرم علیه ایران، (که همزمان با روی کار آمدن دولت ترامپ در این کشور بوده است) ایالات متحده آمریکا کارزار گسترده‌ای علیه ایران در قالب فشار حداکثری^۱ آغاز نمود. در محافل سیاسی و نظامی از فشار حداکثری که دربرگیرنده تمامی ابزارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و ... از سوی کشور مهاجم، علیه کشور هدف می‌باشد، تحت عنوان جنگ ترکیبی یاد می‌شود.

گذر از رویکرد جنگ سخت و جنگ نرم به رویکرد جنگ ترکیبی اگرچه در نگاه نخست ناشی از شکست سیاست‌های این کشور در قبال ایران بوده است اما از منظری واقع‌بینانه موید تکامل و بازاندیشی در نوع سیاست‌های خصمانه این کشور در قبال ایران است. فی‌الواقع ایالات متحده آمریکا در مواجهه با ایران به این نتیجه رسیده است که صرف جنگ سخت (هزینه بسیار زیاد) و جنگ نرم (طولانی بودن آن) به تنهایی کارساز نیست و چه بسا می‌تواند تبعات بسیار مخربی برای این کشور و متحدانش در

1. Maximum Pressure

منطقه داشته باشد. به همین دلیل سناریو نویسان و استراتژیست های کاخ سفید از معنای کنونی جنگ گذر کرده و اقدامات پیچیده ای در حوزه های مختلف و در قالب رویکرد نوینی تحت عنوان جنگ ترکیبی علیه ایران آغاز نمودند.

اینکه مفهوم و مؤلفه های این نوع جنگ و نیز مصادیق عینی جنگ ترکیبی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، چیست، دغدغه ای است که سبب شد محقق درصدد برآید برای آن پاسخی مناسبی بیابد. بنابراین محقق در این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی داری کدام مؤلفه های اساسی است؟ فرضیه ما در این پژوهش این است که جنگ ترکیبی ایالات متحده آمریکا علیه ایران دارای مؤلفه های متعددی نظیر انقلاب رنگی، جنگ نیابتی، جنگ سایبری، جنگ اطلاعاتی و پروپاگاندا، نیروهای نامنظم، جنگ اقتصادی، حمایت از ناآرامی های داخلی و دیپلماسی است.

انجام این پژوهش سبب می شود تا با شناخت رویکرد واقعی ایالات متحده آمریکا علیه ایران، آمادگی لازم برای ایجاد بازدارندگی و مقابله با دشمنان منطقه ای و فرامنطقه ای برای ایجاد بازدارندگی و جلوگیری از غافلگیری فراهم گردد. عدم توجه به لزوم شناخت این رویکرد و نیز تدوین نمودن راهکارهای مقابله با چالش های احتمالی مواجهه با آن سبب می شود، نخبگان سیاسی کشور دچار غافلگیری راهبردی اطلاعاتی - عملیاتی شوند.

۲. پیشینه تحقیق

من باب جنگ ترکیبی، مقالاتی که تاکنون از سوی نویسندگان به نگارش درآمده است عمدتاً یا از یک دیدگاه تئوریک بوده و یا به بررسی این نوع از جنگ در روابط میان سایر کشورها پرداختند. این پژوهش ضمن بررسی ماهیت نظری این نوع از جنگ که در بخش چارچوب نظری بدان اشاره شد، در عرصه عمل نیز به بررسی این نوع از جنگ از سوی ایالات متحده آمریکا در مقابله با جمهوری اسلامی ایران می پردازد. موضوعی که تاکنون در هیچ پژوهشی بررسی نشده است. لذا در ادامه به مهم ترین آثار در این

حوزه به عنوان پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود تا با بررسی مختصر آن وجوه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌هایی که تاکنون صورت پذیرفته شده است، روشن تر شود. داود آذر در پژوهشی تحت عنوان "تبیین عوامل و شاخص‌های توان رزمی آجا در جنگ ترکیبی" با استفاده از روش مصاحبه و پرسش‌نامه به عوامل مؤثر در مدیریت صحنه‌های نبرد جنگ ترکیبی را مورد بررسی قرار می‌دهد. محقق در این پژوهش می‌کوشد عوامل برترساز توان رزمی آجا در جنگ ترکیبی را مورد بررسی قرار دهد. مسعود مصدق در پژوهشی تحت عنوان "شناسائی و الویت بندی کدها و ژنوم‌های ژئوپولوتیکی در شکل‌گیری و استمرار جنگ ترکیبی، با استفاده از تکنیک تایپیس، به الویت بندی کدها و ژنوم‌های ژئوپولوتیکی مؤثر در شکل‌گیری و بروز جنگ سوریه که ماهیتی ترکیبی دارد متمرکز می‌شود. وی در این پژوهش به منظور شناسائی و کشف کدها و ژنوم‌های ژئوپولوتیکی مؤثر در ایجاد جنگ ترکیبی علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای با تعداد ۱۰ تن از نخبگان در حوزه جغرافیای سیاسی مصاحبه نیمه ساختاری انجام می‌دهد.

فرهاد قاسمی در مقاله‌ای تحت عنوان "جنگ هیبریدی در سیستم بین‌المللی پیچیده-آشوبی" چستی و چرایی جنگ ترکیبی را با استفاده از اصول نظریه سیستم‌های پیچیده در محیط آشوبی مورد بررسی قرار می‌دهد. با مضمون که وی الگوهای نوین جنگ از جمله جنگ‌های هیبریدی را در چارچوب نظریه پیچیدگی و آشوب تبیین می‌نماید.

آندره کوربیکو در کتاب "جنگ ترکیبی: رویکرد غیر مستقیم و انعطاف‌ناپذیر به تغییر رژیم" در دو فصل به موضوع حساس و نسبتاً نو جنگ ترکیبی پرداخته است. بخش‌های گسترده‌ای از این کتاب به مفهوم‌شناسی انقلاب رنگی به عنوان یکی از تاکتیک‌های جنگ ترکیبی پرداخته که ضمن پیش‌بینی برنامه‌های واشنگتن برای سری جدید انقلاب رنگی، ذهنیت منسجم و دقیقی برای تحلیل سازوکار آن ارائه می‌کند. نویسنده تلاش کرده از نتایج همایش امنیت بین‌المللی که در مه ۲۰۱۴ میلادی در مسکو برگزار شد، بهره‌گیرد و آن را بر مبنای دیدگاه‌ها و پژوهش‌های خود پرورش دهد.

۳. روش پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر با توجه به ماهیت نظری آن کیفی و از نوع تحلیلی - توصیفی می‌باشد. شیوه گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای و به صورت فیش برداری و مراجعه به منابع دست اول اعم از کتاب‌ها و مقالات فارسی و انگلیسی منتشر شده در این زمینه می‌باشد.

۴. چارچوب تئوریک

جنگ هیبریدی، یک مفهوم جدید است که در راستای درک ماهیت منازعات قرن ۲۱ توسط نظریه پردازان غربی خلق شد و در دهه اخیر به شدت مورد توجه سیاستمداران و کارشناسان امور نظامی قرار گرفته است. این اصطلاح نخستین بار توسط "ویلیام جی نمث"، در سال ۲۰۰۲ برای توصیف شیوه جنگیدن چینی‌ها به کار رفت. (Murray, 2012:3) بعد از جنگ دوم لبنان در سال ۲۰۰۶، این اصطلاح نیز برای توصیف عملیات حزب الله، علیه دولت غاصب اسرائیل، به کار رفت. اهمیت این جنگ در آن بود که اسرائیل علی‌رغم برتری خود نتوانست به اهداف راهبردی خود دست یابد.

علی‌رغم اهمیت جنگ هیبریدی، هنوز وجوه آن به طور کامل تبیین نشده و نظریه پردازی من باب آن با قوت ادامه دارد. یکی از رایج‌ترین تعریف‌ها در باره جنگ ترکیبی توسط فرانک هافمن مطرح شده است. آزدیدگاه وی جنگ هیبریدی "به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن دشمن به طور همزمان و هماهنگ از سلاح‌های متعارف، تاکتیک‌های نامنظم، تروریسم و رفتار جنائی، در فضای نبرد برای بدست آوردن اهداف سیاسی خود استفاده می‌کند" (Chambers, 2016:4) جان مک کوئن یکی دیگر از

1. William J Nemeth
2. Frank Hoffman

۳. هافمن هرچند معتقد است که ماهیت جنگ در حال تغییر است، و از مدلی تحت عنوان جنگ هیبریدی سخن می‌گوید، اما تمام شدن دوره جنگ‌های متعارف را نمی‌پذیرد، بلکه معتقد است که این دو جنگ در کنار یکدیگر به حیات خود ادامه می‌دهند.

4. McCuen

نظریه پردازان جنگ، جنگ هیبریدی را اینگونه تعریف می‌کند " از نظر شکلی مانند جنگ‌های متعارف است، سرنوشت جنگ در جنگ‌های هیبریدی کنونی در صحنه نبرد متعارف مشخص نمی‌شود، بلکه در صحنه نبرد نابرابری تعیین می‌گردد که از سه صحنه نبرد مردم منطقه نبرد، مردمی کشور اعزام کننده نیرو و مردم در جامعه بین‌المللی تشکیل شده است. (McCuen, 2008:109)

پیندژاک روش جنگ هیبریدی را شامل تلاش‌های چندلایه ای می‌داند که هدف آن بی‌ثباتی کشور و قطبی کردن جامعه است. در جنگ کلاسیک مرکز ثقل مادی است، در حالی که در جنگ ترکیبی مرکز ثقل ایدئولوژیک است و [افکار عمومی] مردم را هدف قرار می‌دهد. نیروهای متخاصم سعی می‌کنند در سیاستمداران صاحب نفوذ و تصمیم سازان کلیدی، به وسیله ترکیب عملیات سخت (نظامی) و تلاش براندازانه تاثیرگذاری نمایند. (Pindják, 2015:1)

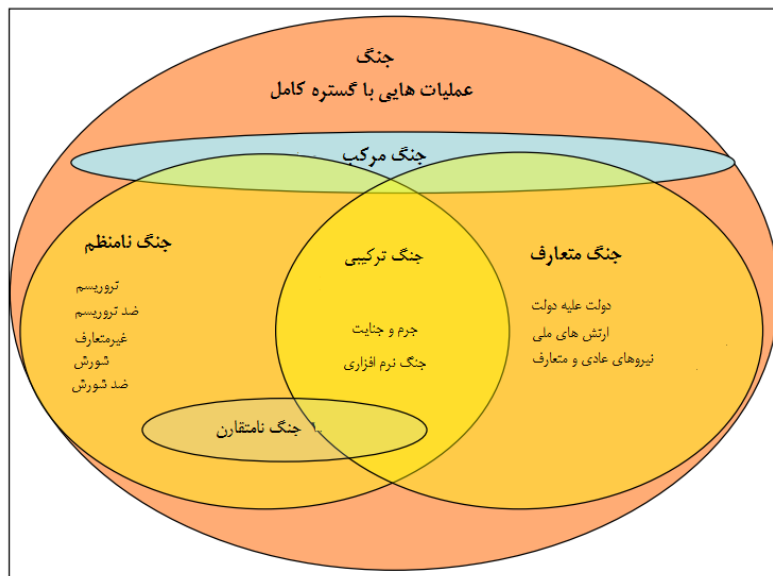
به رغم نو بودن اصطلاح جنگ ترکیبی، به نظر بسیاری از نظریه پردازان حوزه امنیت بین‌المللی، نسل چهارم جنگ و روش جنگ هیبریدی در ذات خود موضوع جدیدی نیست. (بن بو، اچوریا، و آنتونیو، ۲۰۰۵، گری ۲۰۱۲، کافمن و روزانسکی، ۲۰۱۵، منصور و پیتر ۲۰۱۲، مک کنزی ۱۹۹۳) و شاید قدمت آن به دوهزار سال و یا پانصد سال پیش برسد و در پس زمینه راهبرد روش جنگ غیر مستقیم اسان شو قابل تعریف است. (Balan, 2016:322) یا همانطور که توسیدید شرح می‌دهد، در جنگ بین اسپارت و آتن به کار رفته است، ولی بسیاری اعتقاد دارند که با توجه به اینکه محیط امنیتی و راهبردی بر اثر انقلاب اطلاعات و جهانی‌سازی ارتباطات روش جنگیدن را از

1. Pindják
2. Benbow
3. Echevarria
4. Antonio
5. Gray
6. Rojansky
7. Peter
8. McKenzie
9. Indirect Warfare
- 1 . Sun Tzu

نظر ماهیت و از نظر خصایص مربوط به گونه بنیادین، متحول و پیچیده شده است، می توان آن را پدیده ای جدید قلمداد نمود.

با توجه به تعریفی که از "جنگ ترکیبی" تاکنون ارائه شد، می توان گفت، علی رغم نو بودن این اصطلاح، مفهوم جنگ ترکیبی، جدید نیست، بلکه تهدیدی است چند وجهی با رویکردی کل گرایانه که یک یا چند بازیگر دولتی و غیر دولتی، با در اختیار داشتن قابلیت نظامی و غیر نظامی، تهدیداتی چند وجهی، نیابتی و یا مستقیم، به صورت متعارف و غیر متعارف، منظم و نامنظم و... در قبال صلح و امنیت یک کشور طرح ریزی و اجرا می نمایند.

با توجه به تعاریف مذکور اگر بخواهیم موقعیت جنگ ترکیبی به عنوان یک شیوه جنگی نوظهور ترسیم نمائی ام، می توان آن را به صورت شکل زیر مشاهده نمود:

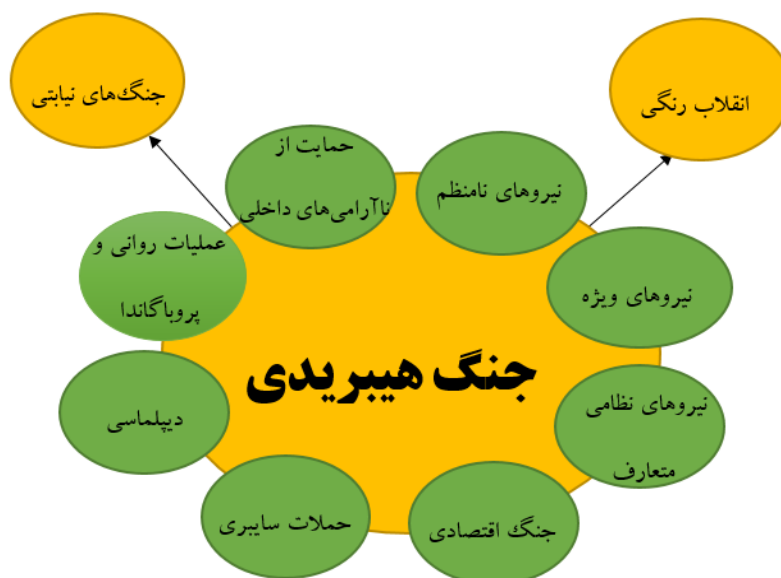


شکل شماره ۱. جایگاه جنگ ترکیبی منبع (United States Government Accountability Office,2010:16)

در این شکل جایگاه جنگ ترکیبی به فضایی اختصاص دارد که تداعی کننده به کارگیری و ادغام همه راهبردهای عملیاتی و تاکتیکی در جنگ های کلاسیک، نامنظم،

ناهمتراز، مرکب (به معنای نیروهای چند ملیتی) می‌باشد. این فضا دارای ویژگی‌های دیگری مانند خشونت، جنگ سایبری، تروریست را نیز به کار گرفته تا به اهداف خود دست یابد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ هیبریدی شامل نیروهای نامنظم و ویژه، حمایت از ناآرامی‌های داخلی، جنگ اطلاعاتی و پروپاگاندا، دیپلماسی، حملات سایبری، جنگ اقتصادی، نیروهای نظامی متعارف، نیروهای نظامی ویژه می‌باشد که در گزارش امنیتی مونیخ در سال ۲۰۱۵ آمده است. (Munich Security Report, 2015: 35) علاوه بر این می‌توان از انقلاب رنگی و جنگ نیابتی نیز به عنوان مؤلفه‌های دیگر جنگ هیبریدی نام برد.



شکل شماره ۲. مؤلفه‌های جنگ ترکیبی^۱ منبع: (Munich Security Report, 2015: 35)

۱. انقلاب رنگی و جنگ نیابتی از جمله مؤلفه‌هایی است که در کنفرانس امنیتی مونیخ بدان اشاره نشده است اما به باور بسیاری از تحلیل‌گران جزء مؤلفه‌های اساسی این نوع از جنگ می‌باشد.

۵. جنگ هیبریدی، رویکرد ایالات متحده آمریکا برای تغییر نظام سیاسی در ایران

در طلیعه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر اسلامی ایران و آغاز پنجمین دهه انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری ولایت فقیه، یک جنگ ترکیبی علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران توسط استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل به رهبری ایالات متحده آمریکا راه اندازی شده است. جنگ هیبریدی ناظر بر این است که کشور متخاصم با استفاده از همه ظرفیت‌های ممکن در ابعاد قدرت از جمله جنگ اطلاعاتی، جنگ اقتصادی، جنگ فرهنگی و اجتماعی، عملیات تروریستی و در نهایت جنگ نظامی به دنبال نیل به نیت خود در کشور هدف است و از جمله سودمندترین و ارزان‌ترین روش‌ها، تحریک برای برانگیختن مناقشات هویتی درون کشور هدف است که از طریق جنگ اطلاعاتی و استفاده از فضای مجازی به ایجاد آشوب «انقلاب رنگی» دامن زده و سپس به جنگ نامتعارف بدل می‌شود. (صفوی، ۱۳۹۷)

با روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ و با آغاز دهه پنجم، این کشور کارزار گسترده‌ای علیه ایران تحت "عنوان فشار حداکثری" آغاز نمود. این کارزار که در ادبیات نظامی به عنوان "جنگ ترکیبی" از آن یاد می‌شود شامل طیف گسترده‌ای از اقدام علیه ایران می‌شود که در دوره باراک اوباما و آغاز ریاست جمهوری ترامپ علیه کشورهای ناهمسوئی نظیر ایران، چین، روسیه، کره شمالی و.. دنبال شد، هرچند شدت و حدت آن در برخی از زمینه‌ها با یکدیگر متفاوت بوده است. «اقدامات ضدایرانی آمریکا [در این دهه] در چهارچوب جنگ هیبریدی یا همان جنگ ترکیبی است. این جنگ ترکیبی از جنگ‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اطلاعاتی است؛ آمریکایی‌ها در این نوع از جنگ، تمامی این ابزارها را با هدف اینکه بتوانند جمهوری اسلامی ایران را تضعیف و سرنگون کنند مورد استفاده قرار می‌دهند.» (کنعانی مقدم، ۱۳۹۸).

ایالات متحده آمریکا بعد از دو جنگ فرسایشی عراق و افغانستان به این نتیجه مهم و کلیدی رسیده است که جنگ صرفاً نظامی علیه ایران چندان مؤثر نبوده و حتی می‌تواند تبعات بسیار مخربی برای این کشور و متحدانش در منطقه و حتی خارج از منطقه خاورمیانه داشته باشد. البته این بدان معنا نیست که سناریو نویسان و استراتژی نویسان کاخ سفید از معنای کنونی جنگ گذر کرده و تنها به فکر فشارها و تحریم‌های اقتصادی و مالی باشند. بلکه ایالات متحده آمریکا از اهرم‌های مختلف به طور همزمان و پیوسته بهره گرفته

و ایران را تحت فشار سخت بین‌المللی قرار می‌دهند.» امروز سیاست آمریکا علیه ملت ایران جنگ هیبریدی و ترکیبی است، آن‌ها به دنبال جنگ فرسایشی نیستند، می‌خواهند هم زمان در همه جبهه‌ها به یک کشور حمله کنند، جنگ اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای، نظامی، سایبری و ... حوزه‌هایی است، که هم زمان با یک کشور به راه می‌اندازند.» (پوردستان، ۱۳۹۷)

عناصر کلیدی جنگ ترکیبی ایالات متحده دارای چند پازل مشخص همچون تحریم‌های اقتصادی، کاهش مشروعیت سیاسی ایران در بین جوامع سیاسی، اقدامات و فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده نظامی در منطقه خاورمیانه، به‌کارگیری بازیگران غیردولتی باهدف آسیب رساندن به امنیت پایدار ایران، جنگ اطلاعاتی، عملیات روانی و فشارهای حقوقی و مدنی بین‌المللی است که در شرایط کنونی هم‌زمانی آنان می‌تواند آسیب‌های بسیار جدی و جبران‌ناپذیری را بر کشور وارد سازد.

۵-۱. مؤلفه‌های جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه ایران

جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه ایران دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از اقدامات متنوع می‌شود. این اقدامات در کتاب «جنگ راهبردی: رویکرد غیرمستقیم و انعطاف‌پذیر به تغییر رژیم» نوشته «اندرو کوریبکو»^۱ و گزارش امنیتی مونیخ در سال ۲۰۱۵ به صورت گسترده آمده است و در مجموع شامل: ۱- انقلاب رنگی ۲- نیروهای نامنظم ۳- جنگ نیابتی ۴- حمایت از ناآرامی‌های داخلی ۵- جنگ اطلاعاتی و پروپاگاندا ۶- دیپلماسی ۷- حملات سایبری ۸- جنگ اقتصادی ۹- نیروهای نظامی متعارف ۱۰- نیروهای نظامی ویژه می‌شود.

۵-۱-۱. انقلاب رنگی

انقلاب رنگی یکی از الگوهای جدید بی‌ثبات‌سازی کشورها از طریق تجمیع قدرت سیاسی گروه‌های اجتماعی گوناگون با هدف تغییر رژیم است. مداخله در امور داخلی کشورها از این طریق موجبات گریز از اتهام مداخله را برای قدرت مداخله‌گر فراهم می‌کند و اعتراضات تقریباً ناگهانی و یکپارچه شهروندان علیه حکومت بستر اشتباه

1. Hybrid Wars: The Indirect Adaptive Approach to Regime Change.

محاسباتی در نیروهای انتظامی و سایر شهروندان را تقویت می‌نماید، در نتیجه احتمال تغییر رژیم افزایش می‌یابد.

آندره کوریبکو پژوهشگر اندیشکده روسی در کتاب «جنگ ترکیبی: رویکرد غیر مستقیم تغییر رژیم»، از «هلال رنگی» برای اشاره به ۱۰ کشوری استفاده می‌کند که از آسیای مرکزی تا اروپای مرکزی کشیده شده‌اند. بخش میانی این هلال، شامل ایران، ترکیه و ارمنستان می‌شود که به نظر او هدف تغییر رژیم در برنامه‌های واشنگتن قرار گرفته‌اند. تغییر تمرکز سیاست‌های مقابله‌گرانه تهران از حاشیه خلیج فارس به قفقاز و آسیای میانه، تغییر جهت سیاست‌های توسعه‌طلبانه آنکارا از خاورمیانه به کریمه، بالکان و آسیای میانه و نهایتاً ورود به منازعه قره‌باغ و ایجاد بحران در هماهنگی راهبردی ایران، ترکیه و روسیه از جمله اهداف آمریکا برای تغییر رژیم در این سه کشور از هلال رنگی است. مهم‌ترین ظرفیت‌های ایران برای شکل‌گیری یک انقلاب رنگی موفق به نظر او احیای جنبش سبز، درگیری‌های قومی، یک رخداد اختلاف‌برانگیز مانند انتخابات، ناامیدی از بهره‌برداری مناسب دولت از توافق هسته‌ای یا نارضایتی از لغو آن است.. (Korybko, 2015:30-45)

کوریبکو معتقد است یکی از سناریوهای محتمل برای انقلاب رنگی در ایران، سوق‌دادن شرایط به سمت لغو توافقات هسته‌ای است زیرا با توجه به انتظارات بیش از حد برخی اقلشار جامعه ایران از پیامدهای توافق، ایجاد وقفه جدی در آن بهانه خوبی برای اعتراضات خیابانی خواهد بود. اگر ارتباطاتی میان سران این جنبش با سمن‌ها یا ارگان‌های اطلاعاتی غرب برقرار شده باشد، چنین اعتراضاتی می‌تواند جنبش سبز سال ۲۰۰۹ میلادی را به شکل «انقلاب سبز» تکرار و تکمیل کند. ورود سازمان‌های دموکراسی‌خواه داخلی در کنار پویش‌های تمرین‌شده در شبکه‌های اجتماعی به ویژه اگر آغاز اعتراضات در زمان خیر وقوع دستکاری در انتخابات، فساد اقتصادی یا اتفاقی مانند آن باشد، می‌تواند مقاومت را برای حکومت دشوار سازد. نارضایتی‌های مربوط به توافق

۱. به نظر کوریبکو پیامد این انقلاب سبز روشن نیست اما شکی نیست که برنامه‌اش ریخته شده است، کمابینه از نواقص جنبش سال ۲۰۰۹ برای تکمیل برنامه‌های اعتراضات دو سال بعد در مصر و تونس بهره برده شد و از تجربه بهار عربی هم‌اکنون برای اصلاح برنامه‌ها در سوریه.

هسته‌ای وقوع اعتراضات را برای قدرت‌های خارجی و بسیاری از شهروندان، قابل پذیرش و مشروع می‌کند، اما احتمالاً اختلافات قومی پیرامون آذری‌ها یا کردها برای اشتعال بیشتر هیزم اعتراضات استفاده خواهد شد زیرا از این طریق می‌توان جنگ‌جویانی را داوطلبانه از مرزهای غربی و شمال غربی وارد ایران کرد. نفوذ آمریکا در اقلیم کردستان عراق، آب‌دیده شدن جنگجویان کرد در سال‌های مبارزه با داعش و اساساً هدف‌گذاری جدی واشنگتن برای تبدیل اقلیم کردستان عراق به پایگاه اعزام نیرو جهت بی‌ثبات‌سازی همسایگان، تقریباً مانعی برای اعزام جنگجوی کرد به داخل ایران باقی نمی‌گذارد اما در این میان اگر دولت آذربایجان به عکس مردمش مخالف انگیزه‌های قومی در انقلاب سبز ایران باشد (مثلاً به دلیل احتمال تشکیل کشور آذربایجان جنوبی به جای ادغام آن زیر چتر باکو)، ممکن است میل به سرکوب داخلی پیدا کند که این خود موجب توسعه بی‌ثباتی از مرزهای ایران می‌شود. (Ibid, 105-108)

کوربیکو که کتاب خود را در حال و هوای نهایی شدن توافق هسته‌ای منتشر کرده است، می‌نویسد بخش‌هایی از جمعیت ایران انتظارات «غیرواقع‌بینانه» از نتایج این توافق دارند و اگر این توافق نتواند آنگونه که انتظار می‌رود، «رفاه مردم را افزایش دهد» یا «اخلال و تأخیرهای غیرمنتظره‌ای در اجرای آن» رخ دهد، ممکن است «تظاهرات عمومی علیه حکومت» در ایران رخ دهد. او پیش‌بینی می‌کند آمریکا و متحدان غربی‌اش راهی برای اتهام‌نقض توافق به ایران یافته و در اوج انتظارات مردم، تحریم‌ها را برمی‌گردانند. به باور کوربیکو، شکست در دیپلماسی اقتصادی که پس از بازگشت تحریم‌ها رخ خواهد داد (همان‌گونه که از نیمه دوم سال ۱۳۹۶ شمسی در مورد ایران آغاز شد) اگر با اخبار پرونده‌های «رسوایی» صاحب‌منصبان یا «توسعه تدریجی خیزش ملی‌گرایان و آذری‌ها» همراه شود، همان «رخداد برانگیزاننده» است که نارضایتی شکل‌گرفته را به یک جنبش تبدیل می‌کند. زیرساخت‌های فنی این جنبش بیش از هر چیز در شبکه‌های اجتماعی، مخصوصاً تلگرام فراهم شده تا گروه‌های مرتبط با غرب، پویای اطلاعاتی علیه حکومت را گسترش دهند، به گونه‌ای که مردم

۱. پژوهشگر اندیشکده روسی می‌افزاید نباید از انفعال گاه‌وبیگاه واشنگتن در تحریک کردها فریب خورد که هدفی جز پیش‌گیری از عقب‌نشینی تهران در فرآیند مذاکرات و تعمیق پیوندها با تهران ندارد.

احساس کنند در صورت پیوستن به جنبش مورد استقبال «جامعه جهانی» قرار می‌گیرند. او نام این جنبش را «انقلاب سبز ۲» می‌گذارد. (Korybko, 2015:105)

آنچه را که کوریبکو در مورد بازگشت تحریم‌ها برای نامیدکردن مردم، ایجاد ناآرامی داخلی در ایران و تلاش برای بریدن نفوذ ایران از کردستان عراق گفته بود، کاملاً درست از آب درآمد. وی معتقد است هدف ایالات متحده آمریکا از جنگ ترکیبی علیه ایران، تغییر رژیم انقلابی در ایران و روی کارآوردن نظامی همسو با علایق و خواسته‌های ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه است. از دیدگاه وی انقلاب رنگی یکی از مؤلفه‌های جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران است که برای تحقق هدف فوق مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵-۱-۲. نیروهای نامنظم و جنگ نامتعارف

یکی دیگر از ویژگی‌های جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه ایران، استفاده از نیروهای نامنظم و جنگ نامتعارف در کنار نیروهای متعارف و منظم می‌باشد. آندره کوریبکو بازوی دوم جنگ ترکیبی ایالات متحده آمریکا علیه ایران، جنگ نامتعارف می‌داند. (Korybko, 2015:54) وی در توضیح جنگ نامتعارف به تعریفی اشاره می‌کند که «یک جنبش یا شورش را به مهار، مختل یا سرنگون کردن حکومت مستقر از طریق نیروی زیرزمینی، کمکی و چریکی در مناطقی که قابلیت عملیات کلاسیک موفقیت‌آمیز در آن وجود ندارد قادر می‌سازد». (Petit, 2012:13) بنابر این جنگ نامتعارف در بیان او بسیار به جنگ نامتقارن شبیه است. نکته مهم آنکه جنگ نامتعارف یک انقلاب نیست بلکه تهמיד شرایط برای پذیرش شکست از سوی دولت مستقر یا هرگونه اقتدار حاکم است.

آمریکا و همپیمانانش مانند عربستان و رژیم صهیونیستی برای اجرای بخش دیگری از جنگ هیبریدی به ایجاد، سازمان‌دهی و حمایت گروه‌های شبه‌نظامی برای حمله مسلحانه، تخریب، کشتار و ناامنی مرزها در داخل خاک ایران دست زده‌اند. بازسازی دوباره گروهک منافقین جهت پشتیبانی عملیاتی داخل ایران و وجود گروه‌های مانند «جنبش عربی آزادیبخش اهواز» در جنوب، «جیش العدل» در جنوب شرق و «پژاک» در

شمال غرب که هر از چند وقت یکبار اقدام به درگیری مسلحانه با نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و یا حملات تروریستی علیه مردم می‌کنند را باید در همین چارچوب ارزیابی کرد.

غرب به رهبری آمریکا و با کمک کشورهای عربی نظیر عربستان، گروه‌های تروریستی تکفیری مانند داعش را بر اساس جنگ هیبریدی برای شکست محور مقاومت به رهبری ایران سازمان داده‌اند.^۱ داعش و گروه‌های تروریستی دیگر به کمک آمریکا، تاکتیک‌های نظامی و فناوری را ترکیب کرده و توانسته‌اند نزدیک به ۷ سال دست به نسل‌کشی مسلمانان بزنند. البته ایران و هم‌پیمانانش نیز در حال مقابله با آن‌ها با همان روش هیبریدی توانسته‌اند قدرت و پیشروی این گروه‌های تروریستی را به کنترل دریاورند.

۵-۱-۳. جنگ نیابتی^۲

در راستای جنگ هیبریدی، ایالات متحده آمریکا جنگ نیابتی گسترده‌ای را علیه ایران آغاز کرده است. جنگ نیابتی این کشور علیه ایران به بازیگران منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و همچنین بازیگران غیردولتی نظیر گروه‌های عربی، کردی و نیز سنی‌گره خورده است. آمریکا تلاش می‌کند با همراهی دولت‌های منطقه و نیز بازیگران غیر دولتی، محیط امنیتی - منطقه‌ای ایران را به نحوی شکل دهد تا منافع منطقه‌ای متحدانش افزایش یابد و نیز از برهم خوردن موازنه قوای منطقه‌ای به نفع ایران جلوگیری نماید.

در بین بازیگران دولتی در منطقه، عربستان مهم‌ترین بازیگر ایالات متحده آمریکا در جنگ‌های نیابتی این کشور علیه ایران است. در حالی که ایران تلاش کرده است طی سال‌های گذشته قدرت خود را در کشورهایی مانند عراق، یمن و لبنان نهادینه سازد

۱. ترامپ در دوران رقابت‌های انتخاباتی، بارها اوپاما و کلینتون را مؤسسين داعش خطاب نمود. بنگرید به:

Trump, Donald, "President Obama is the founder of Isis", The Guardian, available at: <https://www.theguardian.com/us-news/video/2016/aug/11/donald-trump-president-obama-is-the-founder-of-isis-video>

۲Proxy War

عربستان که رقیب ایدئولوژیک و ژئوپولیتیک ایران محسوب می‌شود تلاش می‌کند افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه را به چالش کشیده و موازنه را به نفع خود تغییر دهد. آن‌ها به بهانه حمایت ایران از تروریسم در منطقه و تلاش ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای برآند تا مواضع تند و اشنگتن علیه تهران را تقویت کنند. (Jahner, 2012:42)

۵-۱-۴. حمایت از ناآرامی‌های داخلی

حمایت از ناآرامی‌های داخلی در ایران که هرچند وقت یک بار به صورت شورش‌ها، اعتصابات و آشوب‌ها و بلواهای داخلی خود را نشان می‌دهد، همواره یکی از سیاست‌های ثابت ایالات متحده آمریکا در ۴ دهه اخیر بوده است. در دهه چهارم و با آغاز دهه پنجم، «به دلیل رشد چشمگیر جریان تبادل اطلاعات به واسطه پیشرفت تکنولوژی، کشورهای پیشرو در این زمینه و علی‌الخصوص ایالات متحده آمریکا این فرصت را یافتند تا از آن به مثابه یک سلاح در برخورد با کشورهای ناهمسو بهره گیرند. با توجه به امکانات جدید ارتباطی، ایجاد آشوب و ناامنی در قلمرو کشور رقیب در جنگ‌های هیبریدی اهمیت ویژه‌ای یافت. جنگ هیبریدی، آشوب‌های مدیریت شده (Korybco, 2015:25)» تعریف شده است.

با روی کار آمدن دولت جدید در آمریکا، این دولت در راستای تکمیل جنگ ترکیبی علیه ایران، به صورت گسترده به بهانه حمایت از حقوق بشر و نیز حمایت از خواسته‌های مردم، از ناآرامی‌های داخلی در راستای استراتژی تغییر نظام در ایران حمایت نموده است. در راستای کارزار فشار حداکثری این امر در دولت ترامپ نسبت به دولت‌های پیشین این کشور شدت و حدت بیشتری یافت. به گونه‌ای که ایالات متحده آمریکا نسبت به کوچک‌ترین تجمعات و ناآرامی‌های داخلی واکنش نشان داده است. نمونه بارز آن درخواست ایالات متحده آمریکا برای برگزاری نشست شورای امنیت به بهانه حمایت از شورش‌های دی ماه ۱۳۹۶ بود.

حمایت از ناآرامی‌های داخلی اگرچه در دولت‌های پیشین ایالات متحده آمریکا نیز وجود داشت، اما در این دوره با توجه به نقش اثرگذار رسانه‌های جدید، به بستری برای تشدید فشارهای روانی و اقتصادی بر مردم و حکومت بدل شده است. به گونه‌ای که

در مسیر شکل دهی و حمایت از ناآرامی‌های داخلی با استفاده از این رسانه‌ها از ابزارها و تاکتیک‌های مانند اخبار جعلی و شایعه به طور گسترده استفاده شده است.

۵-۱-۵. جنگ اطلاعاتی و پروپاگاندا

یکی از مهم‌ترین ابزارهای جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه ایران، عملیات روانی و پروپاگاندا است.

در نسل چهارم جنگ‌ها، «رسیدن به اهداف سیاسی دیگر تنها به ابزار سنتی جنگ وابسته نیست بلکه فضای روانی به یک عنصر حیاتی و مهم در جنگ تبدیل شده است. به همین دلیل میدان رزم اصلی در جنگ هیبریدی فضای ذهنی جمعیت و تصمیم سازان جامعه هدف است.» (Rudaw, 2013:3)

در راستای عملیات روانی و پروپاگاندا به مثابه یکی از مؤلفه‌های جنگ هیبریدی آمریکا علیه ایران، رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی ایفاء می‌نمایند. طبق آمار موجود در حال حاضر، نزدیک به ۴۸ میلیون تلفن هوشمند فعال در اختیار مردم ایران قرار دارد و نزدیک به ۵۰ درصد مردم آنلاین هستند. همچنین طبق آمار موجود نزدیک به ۱۰۰ هزار کانال ایرانی در تلگرام موجود است که به راحتی و در مدت زمان کوتاهی وقایع موجود را می‌تواند به کل کشور مخابره کند. این امر به خصوص در گسترش اعتراضات اخیر بسیار پر رنگ بود (Quinn, 2018) و در راستای عملیات روانی و پروپاگاندا، آمریکا علیه ایران نقش بسیار پررنگی در التهاب آفرینی و بغرنج نشان دادن فضای سیاسی و اقتصادی کشور ایفاء نمود.

۵-۱-۶. دیپلماسی

اهتمام همه جانبه و هماهنگ نمایندگان دیپلماتیک کشورهای شریک علیه کشور هدف برای به انزوا کشاندن آن در عرصه‌های منطقه ای و بین المللی را می‌توان دیپلماسی یا عملیات دیپلماتیک نامید که یکی از مؤلفه‌های تأثیر گذار در جنگ هیبریدی است. (پورحسن، ۱۳۹۶:۳۲) دیپلمات‌های آمریکا سال‌ها است که در جهت دور کردن کشورهای مختلف از ایران تلاش می‌کنند که یک نمونه آن مجاب یا مطیع کردن بعضی

کشورهای جهان جهت تصویب کردن قطعنامه‌های ضدایرانی (تحریم اقتصادی، نقض حقوق بشر و غیره) در شورای امنیت سازمان ملل بود.

در دولت جدید آمریکا، مهم‌ترین اقدام دیپلماتیک این کشور در راستای جنگ هیبریدی علیه ایران برگزاری «نشست ورشو» با حضور بیش از ۶۰ کشور جهان با هدف ایجاد اجماع بین‌المللی علیه ایران بود. آمریکا در این نشست کوشید با ترغیب کشورهای اروپائی به خروج از برجام، زمینه انزوای دیپلماتیک ایران را فراهم آورد. در واقع این کشور در این نشست در صدد برآمد تا با نشان دادن ایران به عنوان مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه، یک جبهه گسترده علیه ایران به وجود آورد.

در کنار اقدامات دیپلماتیک مستقیم ایالات متحده آمریکا علیه ایران، باید به دیپلماسی نیابتی این کشور علیه ایران نیز اشاره نمود. اکنون عربستان وظیفه جنگ دیپلماتیک نیابتی از طرف آمریکا علیه عمق استراتژیک انقلاب اسلامی را به عهده گرفته است؛ عربستان بعد از عدم موفقیت در دستیابی به هدف تسلط هژمونیک بر منطقه که عامل این شکست‌ها را ایران می‌داند، جنگ پنهان و آشکاری را علیه ایران به راه انداخته که در عرصه دیپلماسی می‌توان به وادار کردن کشورهای عربی (هرچند کوچک) به قطع روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی و نیز نشست ریاض با مشارکت ۴۰ کشور عربی و اسلامی و نیز حضور دونالد ترامپ در این نشست اشاره کرد.

علاوه بر دیپلماسی نیابتی باید به دیپلماسی اجبار ایالات متحده علیه ایران نیز یاد کرد. این نوع از دیپلماسی که ترکیب هوشمندانه دو گزینه تهدید و دیپلماسی است (دلاورپور اقدم و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۱۲۴) در دولت ترامپ به کرات مورد استفاده قرار گرفت. رئیس‌جمهور آمریکا درباره ایران، از یک سو لفاظی‌های تند و از سوی دیگر دعوت به مذاکره را در دستور کار قرار داده است.^۳ رهبران آمریکا در

^۱Proxy Diplomacy

^۲Coercive Diplomacy

^۳. برخی معتقدند دیپلماسی ترامپ در برخورد با ایران مبتنی بر تئوری مرد دیوانه (Madness Theory) است. طبق این تئوری که برگرفته از رویکرد نیکسون رئیس‌جمهور سابق آمریکاست، رهبران دیگر

شرایطی از مذاکره دیپلماتیک و درهای باز گفت‌وگو برای حل مشکلات ایران-آمریکا سخن می‌گویند که از گزینه تصاعد فشار و تهدید نیز بهره می‌گیرند. نشانه چنین تهدیداتی را می‌توان در ارتباط با رویکرد نهادهای سیاسی و کارگزاران اجرایی آمریکا ملاحظه کرد. رهبران سیاسی آمریکا از مذاکره صحبت می‌کنند، اما شکل جدیدی از تحریم‌های را هم علیه شهروندان ایرانی و هم علیه عالی‌ترین مقامات سیاسی و دیپلماتیک ایران اعمال می‌کنند.^۱

۵-۱-۷. حملات سایبری

جنگ سایبری از عناصر مهم جنگ هیبریدی است. ایالات متحده به عنوان پیشرفته‌ترین کشور در این حوزه از قدرت قابل توجهی در این زمینه برخوردار است. همانطور که از حدود یک دهه قبل حملات پهبادی به بخش جدایی ناپذیر تجهیزات آمریکا تبدیل شد، سلاح‌های سایبری هم اکنون چنین وضعیتی دارند. همزمان با اینکه آمریکا سلاح‌های سایبری را به بخش بزرگی از تجهیزات نظامی خود تبدیل می‌کند، چنین حملاتی بین کشورها در حال عادی شدن است و این مسأله حتی نظامیان واحدهای هکری آمریکا را نگران کرده است. (Groll, 2019) با این وجود کشورهای پیشرو در این حوزه به راحتی از آن برای اعمال قدرت خود بر کشورهای دیگر استفاده می‌نمایند.

آمریکا در راستای جنگ هیبریدی علیه ایران، برای رسیدن به اهداف خود از تمام ابزارهای موجود به طور هم زمان و در تمامی ابعاد استفاده می‌کند. این کشور با حملات سایبری از ویروس استاکس نت برای تخریب سایت‌های هسته ای ایران در سال ۲۰۱۰ استفاده نمود. (Holloway, 2015) ارتش آمریکا ۲۰ ژوئن 2019، یعنی بلافاصله بعد از سرنگونی پهباد جاسوسی آمریکا توسط نیروهای سپاه، یک حمله سایبری مخفی علیه ایران صورت داده است. ارتش آمریکا در این حمله درصدد برآمد تا توانایی تهران را در

کشورها از ترس اقدامات غیرقابل پیش‌بینی آمریکا، از انجام اقدامات تحریک آمیز و مخالف منافع واشنگتن پرهیز می‌کردند.

۱. ظاهراً یکی از دلایل اصلی تحریم محمد جواد ظریف، رد دعوت کاخ سفید از سوی او بوده است.

هدف گیری و کنترل ترافیک دریایی و خطوط کشتیرانی در خلیج فارس را از بین ببرد و نیز سیستم‌های کامپیوتری کنترل تجهیزات شلیک موشک و راکت ایران را از کار بیاندازد. (Barnes, 2019)

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در مصاحبه با ان بی سی تصدیق کرد که ایران به طور فزاینده‌ای شاهد حملات سایبری علیه خود است: «هر روز ممکن است حملات سایبری علیه یکی یا یکی دیگر از تاسیسات ایرانی اتفاق بیافتد. متأسفانه سایبر یکی از جدی‌ترین حوزه‌های جنگ افزار است. ایالات متحده این جنگ سایبری را با حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران که می‌توانست به قیمت جان میلیون انسان تمام شود، آغاز کرده و این جنگ همچنان ادامه دارد» (Zarif, 2019)

۱۷۳

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

جنگ هیبریدی:
رویکرد ایالات
متحده آمریکا در
مواجهه با جمهوری
اسلامی ایران

۵-۱-۸. جنگ اقتصادی

از ابزارهای اصلی جنگ هیبریدی آمریکا علیه ایران، «تحریم اقتصادی» است، «ابزاری که همزمان و هماهنگ با سایر ابزار در جنگ هیبریدی به شدت مورد استفاده قرار می‌گیرد» (Chun, 2005: 249-250) و سال به سال بر دامنه و شدت آن افزوده شده است. در دهه چهارم و آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی، «فعالیت هسته‌ای ایران زمینه جدیدی برای تحریم‌های واشنگتن فراهم کرد، به نحوی که بی سابقه‌ترین محدودیت‌های اقتصادی علیه ایران شکل گرفت. (Samore, 2015) صادرات نفت و مبادلات مالی بین‌المللی از جمله اهداف تحریم‌های بین‌المللی جدیدی بودند که آثار ملموسی بر اقتصاد ایران برجای گذاشتند. تحریم‌های چند جانبه‌ای که بین این سال‌ها یعنی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ ایجاد شد، نقش مهمی در ورود ایران به میز مذاکره ایفاء کرد. (Maloney, 2015:25) قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل نیز در راستای وارد ساختن ایران به میز مذاکره بود. (O Sullivan, 2010: 12)

با شروع دهه پنجم انقلاب اسلامی، ناکامی ایالات متحده آمریکا در همراهی کشورهای عضو شورای امنیت و اتحادیه اروپا در تحریم ایران مانع از آن نشد تا این کشور از سلاح اقتصادی علیه ایران بهره‌نگیرد. در این راستا تحریم‌های یکجانبه در

دستور کار قرار گرفت و با توجه به نفوذ سیاسی و قدرت اقتصادی این کشور، این تحریم‌ها توانست اقتصاد ایران را تضعیف و مشکلات زیادی را برای جامعه به بار آورد. در ادامه جنگ هیبریدی آمریکا، «تضعیف اقتصادی ایران از یک سو می‌تواند موجب فلج شدن روند تولید کالاهای مورد نیاز کشور شده و نارضایتی عمیق در میان لایه‌های وسیعی از مردم ایجاد نموده و القای ناکارآمدی مسئولان دولتی را آسان سازد و از سوی دیگر آمریکا با اعلام همدردی با مردم داخل ایران به دلیل اوضاع سخت اقتصادی و حمایت از اعتراضات کارگران به تحریک افکار عمومی پرداخته و مشروعیت طبقه حاکم را با چالش مواجه سازد.» (Sheep, 2018)

از دیگر اهداف آمریکا در جنگ هیبریدی و فشار اقتصادی علیه ایران، «ایجاد تنگناهای اقتصادی برای دولت و ممانعت از انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد داخلی به دلایل اضطراری بودن شرایط است. از این رو، دولت کنونی آمریکا با نقض توافق هسته‌ای و اعمال دوباره تحریم‌ها تلاش نموده است رژیم ایران را با فشار از درون، سرنگون نماید.» (Walt, 2018) در حال حاضر اتاق جنگ اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه ایران در وزارت خزانه داری این کشور مستقر است و کشورهایی را که تحریم‌های این کشور علیه ایران را نادیده گیرند را تحریم و مشمول جریمه‌های سنگین مالی قرار می‌دهد.

۵-۱-۹. نیروهای نظامی متعارف

یکی دیگر از ویژگی‌های جنگ ترکیبی ایالات متحده آمریکا علیه ایران به کارگیری نیروهای نظامی متعارف است. در راستای به کارگیری نیروهای نظامی متعارف، ایالات متحده آمریکا پایگاه‌های نظامی متعددی در اطراف ایران مستقر نموده است. حضور مستقیم ایالات متحده آمریکا در کشورهای همسایه ایران بیانگر اهمیت راهبردی این منطقه و علی‌الخصوص موازنه سازی تهدید علیه ایران است.



شکل شماره ۳. پایگاه‌های نظامی آمریکا مستقر در اطراف ایران^۱

بازارهای بین‌المللی روابط بین‌الملل

جنگ هیبریدی:
رویکرد ایالات
متحده آمریکا در
مواجهه با جمهوری
اسلامی ایران

در چارچوب به کارگیری نیروهای نظامی متعارف، به مثابه یکی از مؤلفه‌های اصلی جنگ هیبریدی، علاوه بر پایگاه‌های نظامی، می‌توان از به کارگیری ائتلاف‌های منطقه‌ای توسط ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران نیز نام برد. یکی از مهم‌ترین این ائتلاف‌ها شورای همکاری خلیج فارس با حضور عربستان، عراق، قطر، کویت، امارات و عمان است. علاوه بر این می‌توان به تلاش‌های مبنی بر شکل‌گیری «ناتوی عربی» از سوی ایالات متحده با حضور کشورهای عرب منطقه‌ای نیز اشاره نمود. «نفوذ ایران در عراق و سوریه و همچنین تغییر معادلات منطقه‌ای به ضرر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و دیگر کشورهای عرب منطقه و نیز توانایی ایران در ساخت و پرتاب موشک‌های بالستیک» (ورزی، ۱۳۹۷: ۵۰) سبب شد تا ایالات متحده آمریکا، در دوره ترامپ، تلاش‌های گسترده‌ای به منظور شکل‌گیری یک نوع ائتلاف در قالب «ناتوی عربی» آغاز نماید.

۵-۱-۱۰. نیروهای ویژه

نیروهای ویژه بعد از دستور کار قرار گرفتن جنگ ترکیبی در اسناد دفاعی و امنیتی ایالات متحده آمریکا، به بازیگران اصلی این نوع از جنگ تبدیل شده‌اند، چرا که از یک

۱. نقشه فوق برگرفته از سایت خبری مشرق نیوز می‌باشد. کد خبر ۸۴۰۱۲

سو انجام این عملیات در خارج از کشور به وسیله نیروهای ویژه با توجه به هزینه‌های سرسام آور جنگ‌های متعارف نظیر عراق و افغانستان، ارزان تر از اعزام نیروهای منظم است و از سوی دیگر این نیروها ورزیده ترند و قانون گذاران بیشتر مایل‌اند ارسال نیروهای ویژه به نقاط مختلف را تأیید کنند تا با مداخله نظامی تمام عیار موافقت نمایند. این نیروها نقش به سزایی در التهاب آفرینی، آشوب و نامنی و نهایتاً براندازی ایفاء می‌کنند. «مرکز عملیات ایران در سازمان سیا» نمونه بارز به کارگیری نیروهای ویژه علیه جمهوری اسلامی است که در دولت ترامپ تأسیس شده است. ریاست این مرکز برعهده مایکل دی آندریا آیت الله مایک آست. این مرکز، تحلیل گران، پرسنل و مقامات عملیاتی را از ارتش این کشور و علی‌الخصوص سازمان سیا گرد آورده تا به انجام اقدامات مخفی علیه ایران بپردازند.

در شورش‌های دی ماه ۱۳۹۶، نقش این سازمان در عملیات مخفی علیه ایران، مورد توجه قرار گرفت. محمدجعفر منتظری (دادستان کل کشور) نخستین کسی بود که صریحاً نام مایکل دی آندریا را آورد و او را یکی از طراحان اصلی پروژه ایجاد ناآرامی در کشور معرفی کرد. او با اعلام اینکه پروژه «دکترین هم‌گرائی نتیجه بخش» نتیجه همکاری سه ضلع آمریکا، اسرائیل و عربستان بود، (حبیبی، ۱۳۹۶: ۳۹) از نقش مرکز عملیات ایران در سازمان سیا علیه ایران پرده برداشت که به جای طرح تونسی (از مرکز به شهرهای کوچک)، طرح لیبیائی (از شهرهای کوچک به مرکز) انتخاب و اجراء شد. در آشوب آبان ۱۳۹۸ بار دیگر نقش این سازمان در شورش‌ها و بلوا آفرینی بر سر زبان‌ها افتاد. دنیل مک آدامز در مورد نقش آفرینی این مرکز در حوادث اخیر در می‌گوید: فکر می‌کنم این ناآرامی‌ها بیشتر محصول عملکرد مرکز مأموریت ایران است که توسط دولت ترامپ راه اندازی شده است. (Sepahpour, 2019)

به کارگیری نیروهای ویژه در قالب جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا نظیر مرکز عملیات ایران که متشکل از نیروهای متخصص در این زمینه است، توأم با عملیات روانی، ترور شخصیت‌های سیاسی، پروپاگاندا، به منظور ایجاد بلوا، آشوب و نهایتاً

براندازی نظام حاکم در یک کشور است. این نیروها بخشی از بازوی اجرائی سازمان سیا به منظور تحقق راهبرد این کشور در کشورهای مورد هدف نیز می‌باشد که در راستای جنگ هیبریدی این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

بررسی مؤلفه‌های جنگ ترکیبی و تطبیق شاخص‌های آن با مصادیق عینی رفتار ایالات متحده آمریکا با ایران در اواخر دهه چهارم و آغاز دهه پنجم ما را به این امر رهنمون می‌سازد که رویکرد این کشور در مواجهه با ایران از شاخص‌ها و مؤلفه‌های این نوع از جنگ برخوردار می‌باشد. اینکه چرا ایالات متحده آمریکا در مواجهه با ایران از این رویکرد بهره می‌گیرد، می‌تواند با پیامدهای ناگوار به کارگیری قدرت سخت در جنگ با افغانستان و عراق از یک سو و دراز مدت بودن تأثیر گذاری قدرت نرم و به تبع آن جنگ نرم برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، مرتبط باشد. در واقع می‌توان گفت، این کشور در مواجهه با ایران به این نتیجه رسیده است که صرف جنگ سخت (هزینه بسیار زیاد) و جنگ نرم (طولانی بودن آن) به تنهایی کارساز نیست و چه بسا می‌تواند تبعات بسیار مخربی برای این کشور و متحدانش در منطقه داشته باشد. به همین دلیل سناریو نویسان و استراتژیست‌های کاخ سفید از معنای کنونی جنگ گذر کرده و اقدامات پیچیده‌ای در حوزه‌های مختلف و در قالب جنگ نوینی تحت عنوان جنگ ترکیبی علیه ایران آغاز نمودند.

تحریم‌های شدیدی اقتصادی، حملات سایبری، به کارگیری دیپلماسی بی سابقه علیه ایران (برگزاری نشست هائی نظیر ریاض و ورشو)، تبلیغات و پروپاگاندا، عملیات روانی، به کارگیری نیروهای ویژه در قالب مرکز عملیات ایران، حمایت از ناآرامی‌های داخلی و ... جزئی از جنگ ترکیبی این کشور علیه ایران به شمار می‌آید که هر کدام از آن‌ها دارای ویژگی‌ها و عناصر مختص به خود می‌باشد. هریک از مؤلفه‌ها قابلیت آن را دارند که به صورت مجزا و یا ترکیبی فاز جدیدی از حملات را شکل داده و در نهایت خود به یک عامل مؤثر در محیط تبدیل شود. غفلت از این نوع از جنگ و عدم اتخاذ یک راهبرد مناسب در مواجهه با آن موضوعی است که پیامدهای سیاسی و اقتصادی مخربی برای کشور مورد هدف به همراه دارد. مخمضه‌ای که کمتر دولتی توانسته از آن عبور نماید. شناخت این نوع

جنگ و مؤلفه‌های آن این فرصت را فراهم می‌کند تا با ارزیابی نقاط ضعف و قوت و نیز تهدیدها و فرصت‌های آن جنگ، آمادگی بیشتری برای مواجهه با آن فراهم آید. ضرورتی که پژوهش حاضر می‌تواند زمینه ساز پژوهش‌های بعدی درباره آن گردد.

رویکرد جنگ ترکیبی ایالات متحده آمریکا در مواجهه با ایران در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی هرچند بی سابقه است و طبیعتاً این حجم از فشارها می‌تواند زمینه ساز نارضایتی‌های عمومی در داخل گردد اما در کنار آن، تحریم‌های گسترده این کشور، می‌تواند این فرصت را در اختیار ایران قرار دهد تا با تکیه بر توانائی‌های داخلی و قطع وابستگی به درآمدهای نفتی و نیز شناسائی نقاط آسیب پذیر، کشور را در این زمینه واکسینه نماید. در این بین دولت باید با شناخت مؤلفه‌های این نوع از جنگ آمادگی لازم را در مواجهه با آن بدست آورد.

این تحقیق فرصتی را برای دست اندرکاران سیاست اجرائی فراهم می‌آورد تا با شناخت تاکتیک جنگ ترکیبی، با بهره گیری از نخبگان سیاسی و فکری در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی راهبردی به منظور مقابله با آن تدوین نماید. به همین دلیل این پژوهش می‌تواند زمینه ساز پژوهش‌های بعدی در زمینه راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی آمریکا در مواجهه با ایران، نقاط ضعف و قوت ایران در جنگ ترکیبی ایالات متحده آمریکا در مقابله با ایران، فرصت‌های جنگ ترکیبی آمریکا در برابر ایران در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و چالش‌های جنگ ترکیبی آمریکا برای انقلاب اسلامی ایران و ... گردد

منابع

- پورحسن، ناصر. (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران»، *جستارهای سیاسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره ۴.
- پوردستان، احمدرضا. (۱۳۹۷). «امروز سیاست آمریکا علیه ایران جنگ هیبریدی و ترکیبی است»، *خبرگزاری مهر*، کد خبر ۴۵۳۹۲۵۸؛

حبیبی، حامد و سهراب مقدمی شهیدانی. (۱۳۹۷). «بازکاوای نقش آمریکا در ایجاد آشوب‌های کور دی ماه ۱۳۹۶ براساس اطلاعات آشکار»، *فصلنامه پانزده خرداد*، دوره سوم، سال پانزدهم، شماره ۵۵.

صفوی، رحیم. (۱۳۹۷). «معماری دانا راهبرد مقابله با جنگ هیبریدی»، *خبرگزاری ایران*، کدخبر ۹۷۱۱۰۸۰۴۰۶۶؛

کنعانی مقدم، حسین. (۱۳۹۸). «جنگ ترکیبی استراتژی آمریکا علیه ایران»، *خبرگزاری آنا*، کد خبر ۴۰۷۹؛

محمدپور، حسین و همکاران. (۱۳۹۴). شناخت توزیع فضائی پایگاه‌های نظامی آمریکا در منقه خاورمیانه با استفاده از تحلیل لکه داغ نرم افزار آرک جی آ اس»، *فصلنامه مدیریت نظامی*، سال ۱۵، پائیز، ش ۵۹.

ورزی، روح الله. (۱۳۹۷). «تلاش برای تشکیل سازمان دفاعی-امنیتی عربی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.

Balan, S.-C. (2016). Hybrid War-Old, But New (What Is New And What Is Not). Paper

Barnes, Julian. (2019). "U.S. Cyber-attack Hurt Iran's Ability to Target Oil Tankers, Officials Say, The New York Times, Available AT: <https://www.nytimes.com/2019/08/28/us/politics/us-iran-cyber-attack.html>

Chambers, John. (2016). Countering Gray-Zone Hybrid Threats, Available at: <https://mwi.usma.edu/wp-content/uploads/2016/10/Countering-Gray-Zone-Hybrid-Threats.pdf>.

Chun, C. K. (2005). Economics: "A key element of national power". US Army War College Guide to National Security Issues, 1, 199-210.

Groll, Elias. (2019). "The U.S.-Iran Standoff Is Militarizing Cyberspace "Foreign Policy, Available At: <https://foreignpolicy.com/2019/09/27/the-u-s-iran-standoff-is-militarizing-cyberspace/>

Holloway, M. (2015). "Stuxnet Worm Attack on Iranian Nuclear Facilities". Retrieved April, 13, 2017

Jahner, A. 2012, Saudi Arabia and Iran: Struggle for Power and Influence in the Gulf International Affairs Review, Volume xx, Number 3, pp. 38-49

- Korybko, Andrew. (2015). "Hybrid Wars: The Indirect Adaptive Approach to Regime Change". Peoples' Friendship University of Russia, Moscow,
- Maloney, S. (2015). *Un-sanctioning Iran: What the nuclear deal means for the future of sanctions*, In: Center Middle East Politics and Policy, Available from: <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2015/8/3-iran-sanctions-future-nuclear-deal-Maloney>, Google Scholar.
- McCuen, J. J. (2008). Hybrid wars. *Military Review*, 88(2), 107-113.
- Munich Security Report. (2015). "Collapsing Order Reluctant,
- Murray, Williamson and Peter Mansour, Eds (2012). *Hybrid Warfare: Fighting Complex Opponents from the Ancient World to the Present*, New York, NY: Cambridge University Press.
- O Sullivan, ML. (2010). *Iran and the great sanctions debate*, The Washington Quarterly, 33 (4), pp. 7 - 21, Google Scholar, Cross ref
- Petit, Lieutenant Colonel Brian. (2012). "Social Media and UW." U.S Army John F. Kennedy Special Warfare Center and School, 1 Apr. 2012. Web. 13 July 2014.
- Rudaw. (2018). "US launches 'campaign of maximum economic, diplomatic pressure' on Iran". Rudaw, at: <http://www.rudaw.net/english/middleeast/iran/020720182>
- Sepahpour, Soray. (2019). "Iran Social Unrest: Protests and Carefully Planned Provocations" *Global Research*, Available at: <https://www.globalresearch.ca/iran-unrest-protests-provocations/5695820>
- Shepp, Jonah. (2018). *Trump's Iran Strategy: Regime Change on the Cheap*, Foreign Policy, and July 30. Available at: <http://nymag.com/intelligencer/2018/07/trumps-iran-strategy-regime-change-on-the-cheap.html>
- Walt, Stephen M. (2018). *Regime Change for Dummies*, Foreign Policy, May 14. Available at: <https://foreignpolicy.com/2018/05/14/regime-change-for-dummies/>.
- United States Government Accountability Office: Hybrid Warfare, Washington, DC, USA, September 10, (2010). Figure 2, the Hybrid Warfare Concept, p. 16.
- Zarif, Mohammad Javad. (2019). "Iran 'does not have a preference' in the American election", interview with NBC News, Available at: <https://www.nbcnews.com/meet-the-press/video/zarif-on-election-interference-iran-does-not-have-a-preference-in-the-american-election-70178373659>